میراث فرهنگی

سرپل ذهاب در جمع برترین اکتشاف ها

پایگاه خبری لایو ساینس به مناسبت پایان سال ۲۰۱۹، فهرستی از ۱۰ اکتشاف برتر حوزه باستان‌شناسی سال ۲۰۱۹ منتشر کرده و نکته جالب این که در این فهرست، ردپای یکی از اکتشاف‌ها در ایران و در غرب کشورمان یعنی سرپل ذهاب دیده می‌شود؛ دیواری که در کنار بقیه آثار از کشف گورستان ۱۷۰۰ ساله رومی در روستایی در انگلستان تا رنگین‌ترین مقبره مصر و جمجمه انسان‌های خردمند در یونان قرار گرفته است. بر این اساس باستان شناسان با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای بقایای یک دیوار سنگی را در غرب ایران به طول ۱۱۵ کیلومتر (۷۱ مایل) شناسایی کرده‌اند.

بقایای این دیوار که توسط جمعی از باستان‌شناسان ایرانی در منطقه سرپل ذهاب شناسایی شده، شامل یك میلیون مترمکعب سنگ است که ساخت آن نیازمند نیروی کار، زمان و مصالح قابل توجهی بوده است. باستان‌شناسان هنوز نمی‌دانند این دیوار توسط چه کسی و با چه هدفی ساخته شده و به دلیل حفظ نامناسب بقایای آن محققان حتی از طول، عرض و ارتفاع این دیوار نیز مطمئن نیستند و براساس تخمین‌های کنونی این دیوار ۴ متر عرض و حدود ۳ متر ارتفاع داشته است.

دیوار از مصالح بومی و طبیعی منطقه مانند تخته سنگ‌ها ساخته شده و در محل‌هایی نیز ملات گچ هنوز قابل مشاهده است. در حالی که باستان‌شنان از وجود این دیوار خبری نداشتند اما ساکنان نزدیك به این دیوار از دیرباز آن را با نام گاوری (Gawriwall) می‌شناختند.

این دیوار اخیرا کشف شده تنها دیوار کهن در ایران نیست و باستان‌شناسان پیش از این ساختارهای مشابهی را در بخش‌هایی از شمال و شمال شرق ایران نیز پیدا کرده بودند که احتمالا برای اهداف دفاعی بنا شده بودند./ ایسنا



نمایشگاه صنایع‌دستی در شهر خلاق صنایع‌دستی

دو ماه پیش بود، یونسکو اسم بندرعباس را به عنوان شهر خلاق در حوزه صنایع‌دستی ثبت کرد. نمایشگاه سراسری صنایع‌دستی بندرعباس در همین راستا و برای حفظ عنوان شهر خلاق صنایع‌دستی از یك شنبه در این شهر جنوبی کشورمان افتتاح شده و تا سیزدهم دی در محل دائمی نمایشگاه‌های بندرعباس پذیرای بازدیدکنندگان است./ جام جم دیلی

مستقیم از مشهد به ارومیه

اگر اهل دو شهر مشهد و ارومیه و حتی شهرهای همسایه این دو هستید، بدانید و آگاه باشید که برای تسهیل تردد مسافران و زائران حرم امام رضا(ع) بین این دو شهر، از این هفته قطار مستقیم مشهد - ارومیه فعالیتش را آغاز کرده است. قطاری که به گفته یوسف بیدخوری سرپرست معاونت گردشگری اداره‌کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی خراسان رضوی با ظرفیت ۴۴۰ نفر فعالیتش را شروع کرده است. / میراث آریا



رضا آزادپور در اختتامیه سی واره امید در مشهد

عکس: سروش حافظ

سی واره امام رضا برای رضا

مشهدی ها با برگزاری یک جشنواره سینمایی کودک خوزستانی مبتلا به سرطان را به آرزوهایش رساندند

عرفا عقیده‌ای دارند و می‌گویند «اگر زرنگ باشی با بزرگان معامله می‌کنی؛ با اولیا!... اصلا با خود خدا... کم هم نمی‌خواهی، از آنها باید زیاد خواست؛ زیاد و بزرگ به بزرگی خودشان...» این نکته را رضا آزادپور؛ کودك ۱۱ ساله مبتلا به سرطان خوزستانی خوب گرفته؛ از سه سال پیش، وقتی هشت ساله بود و به خاله آرزوهای گروه خیریه همیاران بی نام اهواز گفته بود دو آرزو دارد؛ یکی داشتن یك موتورچهارچرخ و دیگری سفر به مشهد و زیارت امام رضا. اما وقتی پاسخ شنیده بود که فقط امکان تحقق یك آرزویش وجود دارد، جواب داده بود: «چی بهتر از امام رضا» و بعدش هم به همه گفته بود از موتور چهارچرخ گذشتم و از امام رضا نه... رضا یك آرزوی دیگر هم داشت؛ قهرمان و معروف و مشهور شدن که آن را هم بعدها به هدی رشیدی گفته بود... حالا همان امام رضا پاسخش را داده، از همان سال، هرسال و هرسال به بهانه‌ای امام مهربانی‌ها دعوتش می‌کند مشهد؛ باعزت و احترام. در سفر آخرش به مشهد که همین یك هفته پیش بود به آرزوهای دیگرش هم رسید، یعنی یك موتور چهارچرخ هدیه گرفت و مشهدی‌های مهربان و هنرمند برایش یك جشنواره فیلم برگزار کردند؛ جشنواره‌ای با عنوان «سی واره امید» و نام «رضایم به رضای اوست»، که در آن ۳۰ فیلم ساخته شده از رضا به نمایش و داوری گذاشته شد و با استقبال مشهدی‌هایی که آمده بودند تا رضا را به قهرمانی مشهور تبدیل کنند، مواجه شد.



فاطمه مرادزاده

ایران



ضیایی: سی واره امید با عنوان رضایم به رضایت با حضور ۳۰ فیلم مستند با محوریت امید به زندگیِ رضا آزادپور کودک سرطانی بهبهانی در مشهد برگزار شد و سکینه دست‌رس تندیس فیلم برگزیده این سی واره را به یك خانه برد

انتخاب درست رضای ۱۱ ساله که دکتر معالجش؛ کاوه جاسب معتقد است آی کیویی بالای ۲۵۰ دارد، آذرماه ۹۵ او را راهی مشهد کرد. آنجا به خادمان گفته بود امام رضا معجزه من است و خودش مرا شفا می‌دهد. اینها را هدی رشیدی به ما می‌گوید: «رضا از ۳ سالگی سرطان خون دارد و سال هاست با درد و رنج دست و پنجه نرم می‌کند. در بازگشت از مشهد هم سرما می‌خورد و حالش دوباره بد می‌شود، اما تا یك سال بعد هیچ درمانی را قبول نمی‌کند و منتظر شفای امامش می‌ماند تا این که دکتر جاسب با من تماس می‌گیرد و می‌گوید رضا حال مناسبی ندارد و به درمان فوری و بستری احتیاج دارد... می‌دانستم که رضا دوست دارد معروف شود، برای همین با به اشتراك گذاشتن عکسش در صفحه اینستاگرامم و معرفی صفحه خودش، توجهات زیادی به سمت او جلب شد. رضا بستری شد و گروه‌های مختلف از جامعه آتش نشانان گرفته تا روحانیون و هنرمندان و حتی بچه‌های سپاه به دیدنش آمدند. رضا هم درمان را قبول کرد. بهمن سال ۹۶ و هنگامی که رضا در بیمارستان بستری بود، ده نفر از خادمان امام هشتم به دعوت موسسه به اهواز و دیدار رضا در بیمارستان آمدند. رضا آن موقع با حال وخیم در آی سی یو بود، اما چشمش به خادم‌ها که افتاد شروع کرد به گریه و هق هق، آنقدر که خادم‌ها هم که از سفر قبلی او را می‌شناختند، با او هم گریه شدند و قول دادند اگر درمانش را بپذیرد، پس از بهبود به مشهد دعوتش خواهند کرد.»

این خادمان مهربان امام رضا

خادمان امام رضا مثل خود امام خوش قولند و مهربان، پس او اخر اردیبهشت رضا را دعوت کردند مشهد؛ آن هم با هزینه شخصی خودشان. رضا برای دومین بار مهمان مشهدی‌ها و البته امام هشتم شد و خادمان حرم برایش سنگ تمام گذاشتند و او و خانواده اش را با دستی پر و دلی شاد بدرقه کردند. سفر دوم با یك شگفتانه بزرگ برای رضا همراه بود، وعده‌ای که رشیدی در سفر به رضا داد: «می‌دانستم دوست دارد قهرمان و مشهور شود، برای همین با آقای صالح مدرسه‌ای از مستندسازان شبکه افق صحبت کردم و خواستم یك نفر را به من معرفی کند تا در سفر مشهد یك مستند از رضا بسازند و آن را در تلویزیون پخش کنیم. چاره‌ای نبود باید با اتفاقات و خبرهای خوش پی درپی رضا را قانع به ادامه درمان می‌کردیم، چراکه پنج شش سال درمان مداوم، جان و رمق و انگیزه‌ای برای رضا باقی نگذاشته بود. صالح مدرسه‌ای فردی به نام ضیایی، یکی از هنرمندان و اهل سینما در مشهد را به ما معرفی کرد که ایشان تصاویری از حضور رضا در مشهد ضبط کرد و قرار شد پس از تدوین و تنظیم، آن را در تلویزیون خراسان پخش کنند.»

یک فکر خوب

یادتان می آید گفتیم اگر کارتان را به بزرگان حواله کنید، جوابی درخور بزرگان می گیرید؛ همان کاری که رضا کرد و خودش و کارش را به امام رضا(ع) سپرد. امام رضا پاسخش را گره زد به آشنایی با ضیایی، فیلمسازی که مثل خود رضا باهوش است و متفاوت و تصمیم بگیرد به جای ساخت یک فیلم مستند ساده، راش های ضبط شده را (فیلم های خامی که گرفته) بسپارد دست ۴۰ دانشجویش و از آنها بخواهد با همین راش های موجود و به مدد ذهن خلاق خودشان، هرکدام یک سناریو برای فیلم رضا بنویسند و راش ها را بر اساس آن تدوین کنند و یک مستند خوب تحویل استاد دهند: «این کار را به دانشجویان درس تدوین سال تحصیلی جاری سپردم. یک ترم با دانشجویانم کار کردم و مسیر را قدم به قدم نشانشان دادم.» قدم بعدی ضیایی طراحی یک جشنواره بود؛ جشنواره ای از فیلم های تهیه شده برای رضا و درواقع اولین جشنواره کلاسی تخصصی سینمایی با فراخوان فیلم های ۴۰ دانشجوی یک کلاس هنری: « طراحی و برگزاری این جشنواره می توانست در انگیزه دادن به دانشجویان هم موثر باشد. پس یک هیات انتخاب و هیات داوری از اهالی هنر و سینما از مجربان این حوزه انتخاب کردم. اما از سویی چون دلم می خواست رضا را خوشحال کنم، فکر کردم او را به عنوان یکی از داوران به جشنواره دعوت کنم تا از این طریق یکی دیگر از آرزوهای این پسر خوب بهبهانی که سالی یک بار زیارت امام رضا بود هم برآورده شود...»

رضا دوباره در مشهد

رضا و مادرش با همت و درایت ضیایی و تیمش به مشهد دعوت و دوشنبه، دومین روز از اولین ماه زمستان به آغوش گرم مشهدالرضا می رسند. میزبانان رضا، دانشجویان کلاس تدوین دانشگاه هنر مشهدند؛ همان ها که هم برایش در طول یک ترم ۳۰ مستند ساختند و هم به کمک مشهدی های مهربان هرکدام گوشه ای از هزینه های سفرش را به عهده گرفتند. درواقع حاصل کار و زحمت ۴۰ دانشجوی هنرمند مشهدی، ۳۰ فیلم بود که چهار فیلم از آنها توسط هیات داوران گلچین شد و رضا در دومین روز حضورش در مشهد دوباره آنها را به داوری نشست و درنهایت یک فیلم را برگزید تا در جشنواره مورد تشویق قرار گیرد؛ جشنواره مورد تشویق قرار گیرد تا جشنواره ای که به خاطر حضور ۳۰ فیلم، سیواره نام گرفته بود؛ سیواره ای به نام رضایم به رضای تو، به نام دو رضا، رضا آزادپور و امام رضای مهربان همه ایرانیان و کودکان ایرانی.

مشهدی ها آمدند

سیواره رضایم به رضای تو، غروب چهارشنبه گذشته در سالن سینمایی اصغرزاده پارک ملت مشهد برگزار می شود؛ با سختی و دردسرهای زیادی که به خاطر جابه جایی سالن در آخرین ساعات برگزاری گریبان مجریان برنامه را گرفت: «کارمان سخت شد، خیلی سخت. سه روز در سطح شهر و در پنج نمایشگر بزرگ شهری تبلیغ جشنواره را کرده بودیم با همت یک شرکت نیکوکار. کلی هم پوستر و کارت دعوت پخش و در فضای مجازی تبلیغ کرده بودیم و جابه جایی سالن در دقیقه آخر همه شان را به باد داد، اما از آنجا که امام رضا خودش مراقب رضا و آرزوهایش بود به همت محمدی، معاون هنری اداره ارشاد خراسان رضوی و طباطبایی مسؤول امور سینمایی اداره کل، در ساعت آخر سالن مناسب‌تر و بزرگ‌تری در اختیارمان قرار گرفت و مراسم به‌خوبی و با استقبال زیاد مشهدی ها برگزار شد؛ طوری که بیش از ۳۰۰ صندلی از ۴۰۰ صندلی سالن پر شد...»

برآورده شدن هر ۳ آرزو حتی موتور چهارچرخ

مهربانی های امام رضا اما تمام شدنی نبود و نشانش الهاماتی که به قلب ضیایی برای خوشحال کردن رضا سرازیر می شد. نشان به آن نشان که وقتی نتوانست آرزوی داشتن موتورچهارچرخ رضا را به دلیل قیمت بسیار بالا برآورده کند، به دلش افتاد چهارچرخی از پیست موتورسواری چالیدره مشهد کرایه کند و با آوردنش روی سن رضا را سورپرایز کند، اما همین که ذوق عجیب رضا را ببیند، بگوید رضا جان می خواستیم خوشحال شوی و این موتور اجاره ای است و فقط می توانی با آن در پیست چالیدره طرقبه ساعاتی موتورسواری کنی... و بشود آن که شاه خراسان می خواهد و یکی از حضار با شنیدن این مکالمات بگوید هزینه خرید موتورچهارچرخش هم با من. یک نفر دیگر هم از میان جمع بلند شود و بگوید امروز حال من اینجا خوب شد و دین این حال خوب یک سکه است برای رضا و همانجا به او هدیه دهد.

و البته همه اینها بشود پاسخ مهربانانه امام رضا به کودکی که تمام امیدش را به نگاه او گره زده و آن قدر عزت نفس دارد که جز همان هدایا هیچ کمک هزینه درمانی را قبول نکند و در اختتامیه جشنواره بگوید: «متاسفانه خیلی ها سرطان را پایان زندگی می دانند، اما سرطان پایان زندگی نیست و یک آغاز است.»



هیجان انگیز بود...

ما تلفنی توانستیم با رضا آزادپور همکلام شویم؛ از فاصله‌ای هزار کیلومتری، از پایتخت، وقتی رضا در مشهد بود و سرمیز ناهار هتل... روز دوم حضورش در مشهد بود و هنوز نتوانسته بود به زیارت برود و همین بی‌قرارش کرده بود. با این همه، پاسخ سلام و احوالپرسی‌مان را با چنان آرامش و عبارات زیبا و پخته‌ای داد که اگر نازکی صدای کودکانه‌اش نبود و نمی‌دانستیم با یك پسر ۱۱ ساله هم صحبت شده‌ایم، شك نمی‌کردیم یك فرد بالغ بزرگسال آن سوی خط پاسخمان را می‌دهد. ما دو بار با رضا صحبت کردیم؛ بار اول ظهر روز سه‌شنبه و بار دوم، روز آخر حضورش در مشهد، یعنی پنجشنبه گذشته، بعد از زیارت امام هشتم و اختتامیه «سیواره امید»... گفت‌وگوهای کوتاهی بود. خودتان بخوانید بهتر است:

گفت‌وگو پیش از زیارت و اختتامیه جشنواره

هنوز نرفتی زیارت؟

هنوز به خدا وقت نشده، ولی ان‌شاءا... به‌زودی می‌رویم.

چرا؟

چون با آقای ضیایی زیاد درگیر جشنواره بودیم و گفتیم خاله هدی هم بیاید بهتر است.

خب درگیر چه چیز جشنواره بودید؟

درگیر یك سری جلسات مربوط به داوری که بروم فیلم برتر را انتخاب کنم.

چند حلقه فیلم دیدی؟ راضی بودی از سطح فیلم‌ها؟

چهار فیلم دیدیم و سطح فیلم‌ها هم خوب بود و من یکی را به عنوان فیلم برتر انتخاب کردم.

خب گفتی که هنوز حرم نرفته‌ای. بگو ببینم ذوقت برای حرم رفتن بیشتر است یا جشنواره‌ای که به خاطر تو و به نام خودت برگزار می‌شود؟

برای هر دو.

کدام یك بیشتر؟

حرم.

حالا که تا این حد مشتاق زیارت امام رضا هستی، چه چیزی می‌خواهی از امام رضا؟

شفای کل بیماران و بعد هم شفای خودم.

و مطمئنی که امام رضا پاسخت را می‌دهد؟

ان‌شاءا...

گفت‌وگو بعد از اختتامیه جشنواره و زیارت امام رضا

حرم و زیارت چطور بود؟

خوب بود، عالی...

رفتی حرم از امام رضا چه خواستی؟

هر کسی هرچیزی در دلش هست، به آن برسد و برای خودم هم شفا.

البته فکر کنم در این سفر شما به همه آرزوهایت رسیدی و هرچیزی خواستی امام رضا به شما داد.

بله، درست است.

جشنواره چطور بود؟

اول این که فکر نمی‌کردم این قدر استقبال شود، ولی بی‌نهایت استقبال شد و سالن به آن بزرگی می‌توانم بگویم پر شد. و خدا را شکر وسط مراسم هم هدیه موتورچهارچرخ و این بحث‌ها، که خیلی عالی و هیجان‌انگیز بود.

فیلم برگزیده جشنواره با فیلمی که تو انتخاب کردی، فرق داشت. ناراحت نشدی؟

نه، فیلم منتخب داوران هم خوب بود. به هر حال نظر آنها تخصصی است و من به نظرشان احترام می‌گذارم.

طراح: بیژن گورانی

جدول شماره ۵۵۶۳

جدول عادی

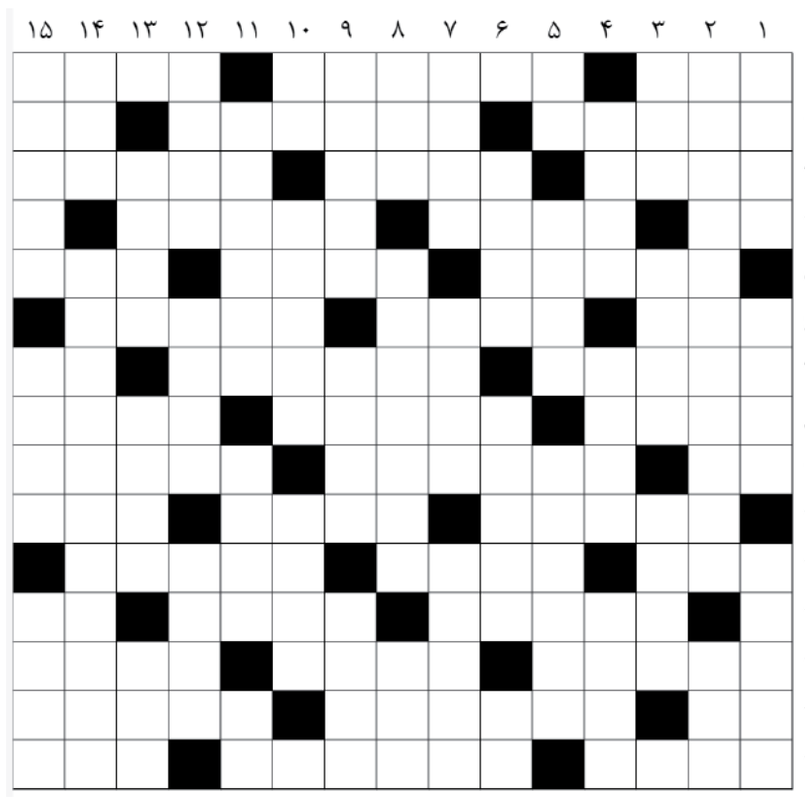
افقی: ۱) به سم ستور می‌کوبند - نجیب‌زاده و جوانمرد - موضوع ۲) عزیز و دوست‌داشتنی - دستگاهی برای پخش صدا - پارچه زخم‌بندی ۳) از ایالات آمریکا - نوعی طرح لباس زنانه - از پیامبران بنی‌اسرائیل ۴) عظمت - داخل شدن - چراغ خوراك‌پزی قدیم ۵) ضرر و زیان بزرگ - ماری بسیار سمی - برنج شوشتری ۶) قدم - نوشیدنی حرام - مجموعه داستانی نوشته منیرو روانی‌پور ۷) مطلبی را با آب و تاب خواندن - باصداقت - رخساره ۸) ورم - هنرپیشه طنز - از القاب امرای ترك ۹) رام نشده! - هیچ و پوچ - بی‌خردی ۱۰) بازیکن دفاع آزاد - مسافر سرزمین عجایب - از شبکه‌های تلویزیونی کشورمان ۱۱) غله برافشان - فرستاده خدا - ابزار پهن کردن خمیر ۱۲) کارگروه - بارقه - صدمه ۱۳) کلید خودرو - واحد طول روسی - از علوفه ۱۴) یازده - شیر بیشه - لیف ظرفشویی ۱۵ - گاز نجیب سبك - تنور - قلعه حکومتی.

عمودی: ۱) پنبه‌زن - گذرگاه - مانند هم ۲) بازیگر مرد مجموعه تلویزیونی وارش - صوت اندوه ۳) چغندر پخته - دیکته - زاپاس ۴) سرباز نیروی دریایی - باعث و موجب - وسط ۵) پدربزرگ - لرزش اندام - هسته آهن‌ربای دائمی در ژنراتور ۶) همسرزن - رنجش و آزردگی - نیم‌ساعت! ۷) مخالف هم بودن - بتن مسلح - آسانی ۸) شیر نوشیدنی - آبشار دیدنی علی‌آباد کتول - انبار غله ۹) مورد نظر - پول عربستان - سلیقه ۱۰) سخن صریح - پایه‌ها - منزل آذری ۱۱) ظرفیت شیمیایی - دریغ و افسوس - N ۱۲) قطار زیرزمینی - پدرمرده - از القاب اشرافی زنان اروپایی ۱۳) کانون - محافظ انگشتان - گریستن ۱۴) اشتباه لفظی - سندهایی که معادل پولی آن را نظام بانکی هر کشور تضمین کرده است ۱۵) شروع، آغاز - نویسنده کتاب کاندید - دانه روغنی مسهل.

جدول ویژه

افقی: ۱) محنت - قساوت - مارگزه ۲) پارچه‌ها - سبك‌ترین فلز - به دنیا آوردن ۳) فدراسیون جهانی کشتی - بشارت‌دهنده - روزنامه چاپ کویت ۴) شور و هیجان همگانی - بست نشستن - سرزمین قومس ۵) قوم سفیدپوست بومی اروپای شرقی - عظیم - درختی با دانه‌های روغن ۶) آسمان - نقطه شروع - واحد اندازه‌گیری حجم در انگلستان ۷) منسوب به یمن - نوعی مبادله اطلاعات - فتنه‌جو ۸) خواهش - دستگاه اندازه‌گیری مقدار انرژی مصرف‌شده - رهسپار ۹) گشاده - زورگو - پایتخت بولیوی ۱۰) سگ فضانورد شوروی - به کار بستن قانون - سنت و آیین ۱۱) تصویر - مایه دردسر - دلنشین ۱۲) بایکوت - سراینده داروگ - معاون هیتلر ۱۳) طبخ غذا - دوستی - دانه تند خوراکی ۱۴) قدم یکپا - تجزیه سلولی - سزاوار نفرین ۱۵) حرکت و جنبش - ترموکوپل - شعور.

عمودی: ۱) مهربانی - فنی در کشتی - دادگری ۲) داستانسرای دربار ناصرالدین‌شاه - لوکس ۳) شتر عربی - فرمان کشتی - جلگه پهناور در نواحی نیمه‌خشك ۴) فضاپیمای بالدار - شهره آفاق - گوشه‌ای در دستگاه سه‌گاه ۵) عددی مفرد - پشتیبان - شیشه ایمنی ۶) تصویب‌شده - نوشتاری - مخزنی از صفحات اینترنتی ۷) بوته گل - چوبدستی - نشاسته ۸) آنتن بشقابی - از ورزش‌های گروهی - قوه بینایی ۹) چاپ افست خشك - از پسران فریدون - عقیم ۱۰) حرف دهن‌کجی - جیوه - بلندقامت ۱۱) نقاش نامی قرن نوزدهم هلند - سرزنش‌کننده - قومی ایرانی ۱۲) درست‌نویسی - قلعه و حصار - رفع‌کننده ۱۳) نامی پسرانه - رنگ پوشش دهنده - آب میان بافتی ۱۴) مجرد - از آثار داستانی زنده‌یاد سعید نفیسی ۱۵) پهلوان اساطیری یونان - ریخته شدن - تندرست.



حل جدول عادی شماره ۵۵۶۲

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	خ	و	ا	ن	■	ک	ا	د	ب	■	ا	ع	م	ا	ل
۲	ا	ق	ی	ا	ن	و	س	ا	ط	ل	س	■	و	ب	ا
۳	ل	ت	ه	■	ا	ش	پ	ل	■	ب	ا	ک	ل	ا	ن
۴	ی	ک	■	ت	و	ک	■	ا	ن	ج	و	■	د	■	■
۵	■	ش	ا	خ	ک	■	س	ر	ا	■	ب	ا	د	ع	ا
۶	ن	ی	ل	ی	■	ا	م	ا	ر	■	ب	و	ی	ا	■
۷	ط	■	س	ل	م	ک	■	و	س	و	س	■	■	■	■
۸	ا	ف	ت	■	ه	و	ش	ی	ا	ر	ی	■	م	ت	ل
۹	م	ل	■	ا	س	ل	ا	و	■	ث	م	ر	ه	■	ی
۱۰	■	ا	خ	ر	ا	■	د	ل	م	ه	■	ب	ی	ت	ا
۱۱	ی	ت	ی	م	■	د	ا	ی	ر	■	ش	ی	ا	ر	■
۱۲	ک	■	ا	ی	ج	ا	ب	■	ج	ا	م	ع	■	ا	ر
۱۳	ا	س	ب	ا	ب	ی	■	م	ا	ل	ش	■	ن	ف	خ
۱۴	ی	ن	ا	■	ا	ن	ت	و	ن	ی	ک	و	ی	ی	ن
۱۵	ک	ا	ن	ت	ر	■	ا	ر	ی	س	■	ب	ش	ک	ه

حل جدول ویژه شماره ۵۵۶۲

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ا	خ	و	ر	■	د	ک	ا	ن	■	■	ت	ب	ع	ی	ت
۲	م	ط	ل	ع	ا	ل	ا	ن	و	ا	ر	■	■	ن	ا	ن
۳	ا	م	ت	■	ت	ج	ر	د	■	و	ا	ن	■	ف	س	ا
۴	ن	ق	■	ش	ی	و	ا	■	ا	ی	ک	ی	■	و	■	و
۵	■	د	و	د	ل	■	م	م	ی	ز	■	■	ش	ا	ک	ر
۶	ع	م	ل	ی	■	ق	ل	غ	ه	■	ف	ت	ن	ه	■	■
۷	ا	■	ی	د	ک	■	ی	■	س	ا	ل	ا	ر	■	ی	د
۸	م	د	د	■	د	و	ل	و	م	ی	ت	■	چ	ر	ا	
۹	ل	ف	■	ج	ا	م	ج	م	■	ن	ح	ا	س	■	ی	
۱۰	■	ت	ر	ن	م	■	ب	ی	س	ت	■	ت	ب	س	م	
۱۱	پ	ر	ا	ک	■	س	ا	ت	ر	■	خ	ن	ک	ا	■	
۱۲	ی	■	ب	ل	ی	ت	ز	■	ر	و	س	ا	■	د	ز	
۱۳	ا	م	ر	ی	ک	ا	■	س	ا	ح	ر	■	ش	ی	خ	
۱۴	ل	ا	ت	■	ا	م	پ	ر	س	ی	و	ن	ی	س	م	
۱۵	ه	ر	س	ی	ن	■	ک	ا	ت	د	■	م	ر	م	ی	